



پس از شکست

اشاره:

مدیر بزرگ‌ترین واحد تولیدکننده لباس‌های نظامی در کشور یک زن کارآفرین است، کسی که در آستانه ۵۸ سالگی برای بیش از هزار نفر فرصت شغلی ایجاد کرده و مدیریت یکی از بزرگ‌ترین واحدهای صنعتی پوشاک را در کشور برعهده دارد. کارآفرینی که مهم‌ترین داشته‌اش در کار را «سرمایه اجتماعی و اعتبار در بازار» می‌داند.

نگاهی به زندگی سهیلا کلاهی، بنیانگذار شرکت تولید پوشاک صنعتی ایلاکوثر



سهیلا چوپدار مشهور به کلاهی سال ۱۳۴۱ در اردبیل به دنیا آمد. او در خانواده‌ای بازاری بزرگ شد و پدرش بزار بود. خود او گفته است: «کارآفرینی را زمانی آموختم که پدرم به شغل بزاز اشتغال داشت و مادرم از پارچه‌هایی که پدرم می‌فروخت بافتنی‌های زیبایی بافت.»

بافتنی‌هایی که او با وجود نزدیک به سه دهه کار و کارآفرینی در حوزه صنعت پوشاک به گفته خودش با عشق و علاقه آنها را نگهداری می‌کند و برایش نماد خانواده، کار و کارآفرینی است.

کلاهی که در نوجوانی خیاطی را از مادرش آموخته بود بعد از ازدواج و زمانی که در آژادشهر زندگی می‌کرد به فکر ایجاد کسب و کار خود افتاد. او کارش را با یک چرخ خیاطی ساده و در خانه شروع کرد ولی رویاهای بزرگی در سر داشت. او در برنامه پیش گفت: «من با یک چرخ خیاطی شروع کردم و در قدم اول سفارش کار و مواد اولیه را می‌گرفتم و مزدی می‌دوختم و بیشترین سفارش‌ها هم مانتو و مقنعه بود به خصوص در زمان‌هایی مثل شروع مدارس که تقاضاها بالا می‌رفت البته کلاهی از همان شروع کارش نگاهی ویژه داشت و به جز اشتغال برای خود به دیگران هم فکر می‌کرد و همین نشانه‌ای از دیدگاه کارآفرینانه‌اش بود. «از همسایه‌ها کمک می‌گرفتم. کوچهای که در آن زندگی می‌کردیم خیلی تنگ بود، شاید یک متر بیشتر نبود و خانه همه همسایه‌ها به هم نزدیک بود، به همه آنها کار را یاد داده بودم و سفارش‌هایی که می‌گرفتم بعد از یک ماه به جایی رسید که بچه‌های همه همسایه‌ها می‌آمدند و سبد می‌گذاشتند و کارها را به نوبت می‌گرفتند و می‌بردند برای مادرانشان تا کارهایی مثل دوخت، اتو، نخ‌زنی، بسته‌بندی و... را انجام دهند و بعد کارها را می‌فرستادند. کارم آن قدر گسترش پیدا کرده بود که یک چرخ خیاطی شد ۴ تا ۴ تا به ۱۴ رسید و بعد هم بیشتر شد و در نهایت به فکر راه‌اندازی کارگاه بزرگی افتادم.»

او کار را به زنان همسایه‌اش که تقریباً به یک تعاونی کوچک بدل شده بودند سپرد و خودش راهی تهران شد تا کارگاهی بزرگ راه‌اندازی کند. سوله‌ای خالی در نزدیکی میدان آزادی را که پیش از آن کارخانه قدیمی تعطیل شده‌ای بود اجاره و کار جدیدش را شروع کرد. «آمدم در میدان آزادی، کوی بیمه سوله‌ای اجاره کردم و ۵۰ تا چرخ خیاطی گذاشتم و مقنعه، مانتو، پیراهن و انواع لباس کار و ... تولید می‌کردم. خدا را شکر کار خیلی سریع و صعودی پیش می‌رفت.

همچنین در طول این مدت تحصیلم را هم ادامه دادم و مدیریت بازرگانی خواندم و لیسانس کامپیوتر (نرم‌افزار) را هم از دانشگاه غیرانتفاعی امیرکبیر گرفتم.»

اما زندگی کارآفرینان تنها روزهای رشد و صعود ندارد بلکه گاهی در اوج اتفاقاتی می‌افتد که همه چیز از دست می‌رود و هنر یک کارآفرین این است که بتواند دوباره از صفر شروع کند. سهیلا کلاهی به گفته خودش ۳ بار در دوران کاری شکست را تجربه کرده که یک بار آن مجبور می‌شود برای حفظ اعتبار همه چیزش را بفروشد. او در برنامه تلویزیونی پایش خاطرات آن روزهایش را این‌گونه تعریف کرد: «در سال ۱۳۷۶ پدرم فوت شدند و ضربه روحی خیلی شدید خوردم و سال ۱۳۷۷ هم برادرم تصادف کرد و همسرش فوت شد و بچه‌های او خیلی آسیب دیدند و من مدت زیادی درگیر این مسائل شدم و از کارم غافل ماندم.

در این بین اتفاق مالی غیرمنتظره‌ای هم رخ داد و مجبور شدم برای اینکه اعتبارم را در بازار از دست ندهم همه چیز را بفروشم و کارگاه را تعطیل کنم. کارگاه، ماشین‌آلات، خانه، ماشین و حتی فرش خانام را هم فروختم تا بدهی‌ها را بپردازم ولی تلاش کردم کمتر کسی متوجه این اتفاقات شود.

یادم هست مهمانی دوره‌ای دوستانم را هم به شکلی برنامه‌ریزی کردم که قبل از اینکه وسایل خانه را بفروشم برگزار شود تا آنها هم متوجه نشوند.»

اما بعد از این شکست او چه کرد؟ آیا افسرده و سرخورده شد و برای مدتی همه چیز را رها کرد؟ یا برنامه‌ای دیگر در پیش گرفت؟

«فردای روزی که همه بدهی‌ها را داده بودم و دیگر چیزی نداشتم یک چرخ خیاطی قسطی خریداری کردم و همه چیز را دوباره از صفر شروع کردم. رفتم بازار تهران و دوباره سفارش دوخت مقنعه گرفتم و تنهایی در زیرزمین خانه پدري کار را شروع کردم و خیلی طول نکشید که دوباره کار توسعه پیدا کرد؛ چون اعتبارم را در بازار حفظ کرده بودم؛ توانستم سفارش بگیرم و همین کمک بسیار بزرگی بود.

او در کنار سفارش‌هایی که از بازار می‌گرفت به صورت اتفاقی توانست پروژه‌ای را هم شروع کند که همچنان هم ادامه دارد و به گفته خودش سال‌هاست که شکل گرفته است. کلاهی که عازم حج بود و برای انجام کارهای پیش از سفر به سازمان حج و زیارت رفته بود با بسته‌ای مواجه شد که به تمام حجاج داده می‌شد و لباس احرامی در آن بود که از نظر دوخت (برای خانم‌ها) وضعیت مناسبی نداشت و همین شد که پیشنهاد داد تا او دوخت لباس‌های احرام را برعهده بگیرد که با استقبال هم روبرو شد و به گفته خودش عصر نشده برای او چندین طاقه پارچه فرستادند تا کار را شروع کند. سفارشی که به گفته او برای کارگاهش پربرکت بوده است و همیشه با وضو کارش را شروع می‌کنند. کلاهی معتقد است کارآفرینانی که به سرمایه و پول وابستگی شدید داشته باشند در زمان شکست شرایط سختی خواهند داشت و شاید نتوانند دوباره از صفر شروع کنند «اگر به پول فکر کنیم شکست خوردن خیلی سخت است، کار با خود عشق و درگیری می‌آورد و آن وقت است که بعد از شکست شما دوباره می‌توانید شروع

کنید. به نظر من خوشبختی یک حس است و من وقتی به گذشته فکر می‌کنم حتی از شکست‌ها هم تجربه‌های بسیاری به دست آورده‌ام و تصورم این است که شکست مقدمه پیروزی است اگر بدانی چرا شکست خورده‌ای و درس‌های جدید از آن بگیری برای شروع دوباره.»

سربازی فرزند و فرصت طلایی

سهیلا کلاهی دو فرزند دارد که یکی از آنها پزشک است و دیگری مهندسی خوانده و جالب است بدانید که کسب و کار او جایی به سربازی پسرش گره می‌خورد و به کلی مسیرش عوض می‌شود و البته اوج می‌گیرد. «روز اولی که پسر رفت سربازی به او لباس داده بودند؛ وقتی لباس‌ها را پوشید متوجه شدم که جنس مناسبی ندارند و شکلی نیستند، تصمیم گرفتم خودم برایش لباس سربازی بدوزم. وقتی با آن لباس به پادگان رفته بود سربازان دیگر پرسیده بودند که لباسش را از کجا خریداری کرده است و او گفته بود که من برایش دوخته‌ام؛ همین شد که سفارش‌هایی از این طریق گرفتم و خیلی زود فرمانده پادگان به پسرم گفت که آیا می‌توانم برای دیگران هم لباس درست کنم و به همین شکل کار گسترش پیدا کرد. بعد از آن پیشنهاد دوخت لباس را با پادگان‌های دیگر هم مطرح کردم.

سهیلا کلاهی در حال حاضر یکی از اصلی‌ترین افرادی است که در کارگاهش به صورت تخصصی لباس‌های نظامی تولید می‌کند. او بعد از گرفتن سفارش‌های متعدد تولید لباس‌های نظامی به این فکر افتاد که با خریداری تجهیزات و ماشین‌آلات لازم مجموعه صنعتی تولید پوشاک راه‌اندازی کند و به صورت تخصصی روی تولید لباس‌های نظامی کار کند؛ علاوه بر تولید آموزش هم یکی از علاقه‌های مهم سهیلا کلاهی است، او از این راه تلاش می‌کند تا تجربه‌های خود را در اختیار جوانان و زنان به خصوص زنان سرپرست خانوار قرار دهد تا آنها نیز بتوانند کار و کارگاه‌هایی راه‌اندازی کنند. او اولین مرکز مهارت‌آموزی خود را با همکاری شهرداری تهران و با آموزش به زنان سرپرست خانوار شروع کرد و پس از آن کارگاه‌های آموزشی متعددی را برای نهادهایی مانند کمیته امداد برگزار کرد تا جایی که در سال ۱۳۸۴ به عنوان یاور نمونه کمیته امداد در سطح کشور انتخاب شد. او تاکنون به صدها زن تحت پوشش موسسه‌های

خبریه و کمیته امداد آموزش داده، افرادی که بسیاری از آنها خود کارگاه‌هایی را راه‌اندازی کرده و دیگر نه تنها تحت پوشش کمیته امداد نیستند، که خود کارگاه‌های شخصی دارند و تعداد دیگری را هم مشغول به کار کرده‌اند.

البته در این بین مهم‌ترین کاری که سهیلا کلاهی در حوزه آموزش انجام داده، راه‌اندازی شهرک آموزشی تولیدی صنعت پوشاک است که با حضور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در سال ۱۳۹۲ افتتاح شد. این شهرک در زمینی به مساحت ۳۲ هزار مترمربع و با زیربنای ۱۲ هزار و ۱۷۰ متر مربع با همکاری سازمان آموزش فنی و حرفه‌ای برای آموزش مربیان صنعت پوشاک کشور ساخته شده است.

در این مجموعه سالانه یک‌هزار نفر از سراسر کشور در زمینه صنعت پوشاک در دوره‌های ۴ ماهه آموزش می‌بینند. آشنا کردن هنرجویان با ماشین‌های صنعتی تولید پوشاک، طراحی رایانه‌ای پوشاک و سیستم‌های آموزشی مربوط به این بخش از عمده فعالیت‌های این شهرک در حوزه آموزشی و تولید صنعت پوشاک است. هدف سهیلا کلاهی در این دوره‌های آموزشی به گفته خودش یاد دادن خیاطی نیست. «ما به فکر یاد دادن خیاطی به افراد نیستیم چون کار صنعتی شده است و الان صنعت پوشاک دیگر به خیاط احتیاج ندارد بلکه نیاز به اپراتور ماشین‌آلات صنعتی داریم و ما به افراد یاد می‌دهیم که چگونه از دستگاه دوخت به بهترین شکل استفاده کنند و با چه شیوه‌ای مهارت‌هایشان را افزایش دهند.»

او می‌گوید: «وقتی آدم به توانایی خودش اعتماد داشته باشد و نقاط ضعف و قوتش را بشناسد می‌تواند تهدیدها را به فرصت بدل کند و با ایده‌هایش کار را پیش ببرد. من معتقدم کسانی که صادقانه قدم در مسیر کارآفرینی می‌گذارند بدون شک به موفقیت بزرگ دست پیدا می‌کنند. باید به گونه‌ای زندگی کنیم که مردم به ما اعتماد کنند و بتوانیم از توان دیگران برای راه‌اندازی ایده‌های خود استفاده کنیم.

مهم‌ترین سرمایه یک کارآفرین سرمایه اجتماعی است و سرمایه مالی تنها به عنوان یکی از عوامل برای کارآفرین عمل می‌کند.»